

بسم الله الرحمن الرحيم

حاشیه نشینی معلول فقدان عدالت / شانزده پیشنهاد برای مواجهه موثر با حاشیه نشینی

رضا غلامی

استادیار دانشگاه شاهد

چکیده:

مسئله حاشیه نشینی یکی از چالشهای اساسی در حوزه حکمرانی جمهوری اسلامی محسوب می شود. با گسترش صنایع عظیم و شکل گیری کلان شهرها و به تبع آن، نبود امکانات کافی در روستاها و شهرهای کوچک، از دهه ۴۰ جریان مهاجرت به کلان شهرها آغاز شد و روز به روز تقویت گردید. به رغم آنکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی مبنای جمهوری اسلامی تأمین عدالت توزیعی، آباد کردن روستاها و شهرهای کوچک، مهار بی کاری در این مناطق و در نهایت معکوس نمودن روند مهاجرت ها بود، اما اتخاذ سیاست های غلط، و در مواردی شبه لیبرالی توسعه اقتصادی در بعضی دولت ها، موجب گردید تا نه تنها مسئله حاشیه نشینی در کشور حل نشود بلکه متأسفانه بر ابعاد آن افزوده گردد بطوریکه آمارهای غیررسمی و نادقیق از زیست نزدیک به ۲۰ درصد از جمعیت کشور در مناطق حاشیه ای خبر می دهد. این مقاله که تلفیقی از مقاله و policy paper می باشد و در جهت تقدیم به دولت شده است، سعی دارد ابتدا با مروری بر اصول اسلامی مواجهه با حاشیه نشینی و سپس شرح دقیق وجه پارادوکس این پدیده برای جمهوری اسلامی، شانزده پیشنهاد مبتکرانه برای مواجهه با پدیده حاشیه نشینی را که متأثر از اصول اسلامی است عرصه و هر یک را مختصراً تشریح نماید.

واژگان کلیدی: حاشیه نشینی، عدالت توزیعی، مهاجرت، مهاجرت معکوس و کرامت انسانی

مقدمه :

مسئله حاشیه نشینی یکی از چالشهای اساسی در حوزه حکمرانی جمهوری اسلامی محسوب می شود. با گسترش صنایع عظیم و شکل گیری کلان شهرها و به تبع آن، نبود امکانات کافی در روستاها و شهرهای کوچک، از دهه ۴۰ جریان مهاجرت به کلان شهرها آغاز شد و روز به روز تقویت گردید. به رغم آنکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی مبنای جمهوری اسلامی تأمین عدالت توزیعی، آباد کردن روستاها و شهرهای کوچک، مهار بی کاری در این مناطق و در نهایت معکوس نمودن روند مهاجرت ها بود، اما اتخاذ سیاست های غلط، و در مواردی شبه لیبرالی توسعه اقتصادی در بعضی دولت ها، موجب گردید تا نه تنها مسئله حاشیه نشینی در کشور حل نشود بلکه متأسفانه بر ابعاد آن افزوده گردد بطوریکه آمارهای غیررسمی و نادقیق از زیست نزدیک به ۲۰ درصد از جمعیت کشور در مناطق حاشیه ای خبر می دهد. البته باید توجه داشت که وقتی از حاشیه نشینی در ایران سخن به میان می آید، شرایط و موقعیت همه مناطق حاشیه ای و یا نوع زندگی افراد حاشیه نشین یکسان نیست. یعنی ممکن است در برخی مناطق حاشیه ای شاهد نوعی از آلونک نشینی و فقر مطلق، و در برخی دیگر از مناطق حاشیه ای، وجود نوعی از زندگی نسبتاً عادی اما غیرقانونی باشیم با این حال وجه مشترک همه مناطق حاشیه نشین این است که این مناطق به دلیل عدم برخورداری از رسمیت، از بسیاری از مزایای زندگی در کلان شهرها محروم می باشند و همین امر حاشیه نشین ها را با رنج ها و گرفتاری های متنوعی روبرو ساخته و حتی آنها را به معترضین اجتماعی تبدیل کرده است. شاید در یک نگاه سطحی تصور شود همه کسانی که در مناطق حاشیه ای زندگی می کنند به دلیل بی کاری یا فقدان امکانات اولیه از روستاها یا شهرهای کوچک مهاجرت کرده اند اما با نگاه عمیق تر متوجه می شویم که درصدی از حاشیه نشین ها را جذابیت های زندگی در کلانشهرها و تغییر سبک زندگی به سمت کلان شهرها کشانده است اما به دلیل عدم برخورداری از تمکن مالی برای تهیه مسکن در داخل کلان شهرها، ترجیح داده اند در مناطق حاشیه ای ساکن شده و تدریجاً زمینه ورود به کلان شهرها را برای خود فراهم کنند. از سوی دیگر، از آنجا که برخی از مناطق حاشیه ای از کنترل نظام مند دستگاه های قانونی مانند پلیس خارج هستند، این مناطق به تجمع افراد بدسابقه و متخلف اعم از سارقین، توزیع کنندگان خرد مواد مخدر، معتادین و یا گروه های تکدی گری و سوء استفاده گر از کودکان و زنان تبدیل شده و تبعات سوء آن همواره گریبانگیر کلان شهرها است. با این اوصاف اگر سؤال شود که عامل اصلی

گسترش حاشیه نشینی در کشور چیست؟ در پاسخ خواهیم گفت که حاشیه نشینی بیش از هر چیز معلول فقدان عدالت است هر چند تغییر سبک زندگی و حذایت زندگی در کلان شهرها را نیز نباید نادیده گرفت.

به نظر می رسد پیش از ورود به پیشنهادات روشن برای مواجهه پیشگیرانه و نیز رسیدگی کننده نسبت به پدیده حاشیه نشینی در کشور، لازم است چند اصل مهم مبتنی بر تفکر اسلامی مورد توجه قرار گیرد:

یکم. ضرورت رعایت کرامت انسانی افراد حاشیه نشین

باید توجه داشت که کسانی که در مناطق حاشیه ای هر چند به صورت غیرقانونی زندگی می کنند از تمامی حقوق انسانی برخوردارند و نباید مقابله با پدیده حاشیه نشینی یا برخورد با تخلفات آنها مانند غصب زمین های دولتی و غیر دولتی، کرامت انسانی آنها را نادیده گرفته و منجر به رفتارهای بی رحمانه با آنها شود.

دوم. باز کردن چتر امنیت بر سر آنها

افرادی که در مناطق حاشیه ای زندگی می کنند جزء ملت ایران هستند و باید زیر چتر امنیتی نظام جمهوری اسلامی اعم از امنیت جانی و امنیت اجتماعی به طور کامل قرار داشته باشد؛ بنابراین فراموش کردن آنها و ایجاد فرصت برای تبدیل این مناطق به جولانگاه افراد تبه کار و خصوصاً تضييع حقوق زنان و کودکان توسط آنها قابل قبول نیست.

سوم. رسیدگی عاجل به محرومیت ها

وجود محرومیت ها در مناطق حاشیه ای در هر سطح و نوعی، برآزنده نظام جمهوری اسلامی نیست و دولت موظف است با بهره گیری از منابع خودش مساعدت مؤمنین متمکن، امکانات هدفمندی را به منظور محرومیت زدایی از مناطق حاشیه ای فراهم کند. بدیهی است هرگونه کم کاری یا تأخیر در این زمینه چه از ناحیه دولت و چه از ناحیه مؤمنین متمکن، از جهت شرعی و اخلاقی جایز نیست.

چهارم. گسترش روشمند عدالت در کشور

هر چند بحث از عدالت مفصل است اما همانطور که اشاره شد، اگر توزیع امکانات در کشور به صورت عادلانه صورت گرفته بود و افراد مجبور نبودند برای اشتغال یا بهره گیری از امکانات رفاهی کلان شهرها، خانه و کاشانه

خود را رها کرده و به سمت کلان‌شهرها هجوم بیاورند امروز شاهد ایجاد مناطق عظیم حاشیه ای حول تهران، کرج، مشهد، اصفهان، شیراز، اهواز و غیره بودیم. با این وصف، مهم ترین عنصر پیشگیرانه در مواجهه با پدیده حاشیه نشینی، آمایش سرزمینی و ایجاد مکانیزم های لازم برای بسط عدالت در کشور می باشد.

پیشنهادات

۱. جمع آوری هدفمند اطلاعات جزئی از کلیه مناطق حاشیه ای کشور اعم از اطلاعات سرزمینی، انسانی و غیره و پردازش این اطلاعات به روش علمی برای درک دقیق مسائل مناطق حاشیه ای کشور (در قالب مرکز رصد مراکز حاشیه ای کشور)
۲. عدم پیچیدن نسخه واحد برای همه حاشیه نشین ها و تشکیل پرونده الکترونیکی برای هر یک از آنها و رسیدگی اقتضایی و موثر به وضعیت آنها بر اساس پرونده (این پرونده باید شامل همه مسائل مرتبط با رسیدگی به آنها باشد.)
۳. تأسیس دفتر سرپرستی برای مناطق حاشیه نشین بر اساس جمعیت (مثلاً هر ده هزار نفر یک دفتر سرپرستی) برای پیگیری امور حاشیه نشین ها، ایجاد هماهنگی میان واحدهای دولتی و غیر دولتی در این مناطق و غیره
۴. تبدیل مناطق شهرداری کلان شهرها به معین یک یا چند دفتر سرپرستی مناطق حاشیه نشین و ارائه خدمات مورد نیاز به آنها
۵. ایجاد پاسگاه های ویژه پلیس، درمانگاه های مجهز، مهدهای کودک و مدرسه های مناسب، مراکز بهزیستی، دفاتر مشاوره، مراکز درمان اعتیاد و مراکز حل اختلاف قوه قضائیه به میزان کافی در مناطق حاشیه نشین با حضور نیروهای آموزش دیده و با انگیزه برای خدمت در مناطق حاشیه ای
۶. ایجاد و راه اندازی مساجد ساده و اعزام روحانیون آموزش دیده و با انگیزه برای آموزش های دینی، افزایش تعهدات مذهبی، معنویت زایی و ایجاد مراکز خیریه و جهادی برای مساعدت به افراد نیازمند و همچنین اشتغال زایی
۷. تشویق به تخریب آلودگی ها و کمک به ایجاد خانه های پیش ساخته متحد الشکل برای حفظ جان و رفاه حداقلی افراد البته در مناطق خاصی از حاشیه های شهر که نوعی آلودگی نشینی وجود دارد.

۸. اعطای بن های معیشت به افراد محروم در مناطق حاشیه نشین برای تأمین مایحتاج ضروری خود از طریق فروشگاههای معین در همان مناطق

۹. اعطای شناسه موقت به خانه های مناطق حاشیه ای و ارائه مشروط و موقت خدمات برق و آب به آنها

۱۰. اعطای وام های قرض الحسنه اشتغال زایی به افراد توانا برای تأسیس کارگاه های تولیدی کوچک در مناطق حاشیه ای

۱۱. اعطای وام های جذاب برای برگشت افراد به مناطق روستایی و شهرهای محل تولد برای اسکان و اشتغال به صورت کاملاً کنترل شده و احیاء مناطق روستایی به عنوان کانون های تولید و گسترش امکانات رفاهی در روستاها

۱۲. تعیین دوره اجباری خروج از مناطق حاشیه ای و ورود به بافت رسمی شهر و اعطای منازل اجاره به شرط تملیک به افراد ذی صلاح به این منظور

۱۳. ایجاد مرزهای فیزیکی مناسب برای مناطق حاشیه نشین برای جلوگیری از گسترش آن به شرط رسیدگی به افراد بی خانمان و بی کار در سراسر کشور که لاجرم که انتخاب آنها حاشیه نشینی است.

۱۴. رسیدگی به مسائل حقوقی خانه های ساخته شده در زمین های غصبی البته در مناطقی که عملاً امکان پس گیری زمین و تخریب خانه ها بالکل وجود ندارد و فروش اقساطی زمین و اعطای سند به افراد و به تبع آن تبدیل آن مناطق به شهرک های رسمی

ملاحظات مهم :

۱۵. از آنجا که عدد کمی از حاشیه نشین ها را خانواده های که سرپرست آنها جزو زندانیان می باشد تشکیل می دهد، رسیدگی به خانواده های این دسته از زندانیان و اسکان موقت و رسیدگی معیشتی به آنها (و نیز دور کردن آنها از حوزه دسترسی تبه کاران و باندهای فساد) که اغلب یا در مناطق حاشیه ای و یا اطراف زندان های بزرگ زندگی می کنند ضروری است.

۱۶. با عنایت به اینکه درصدی از حاشیه نشینان را مهاجران افغانی و غیره تشکیل داده اند، اعطای کارت شناسایی موقت به همه مهاجرین تا زمان رسیدگی به شرایط اقامت آنها در کشور و نیز برخوردار کردن آنها

از حقوق انسانی شان در مناطق حاشیه ای ضروری است و جلوی بسیاری از مشکلات مناطق حاشیه نشین را نیز خواهد گرفت.

نتیجه گیری

بنا بر آنچه گذشت، رسیدگی به امور حاشیه نشینی در کشور چه از باب پیشگیری از تداوم حاشیه نشینی و چه از باب رسیدگی به وضعیت حاشیه نشین ها، قبل از هر چیز نیازمند تغییر رویکرد به افراد حاشیه نشین و در نظر گرفتن کرامت انسانی و اهتمام به حقوق فردی و اجتماعی آنهاست. باید توجه داشت که هرچند رسیدگی به پدیده حاشیه نشینی خود اصالت دارد و دولت موظف است از محل بودجه عمومی برای آن هزینه کند اما از آنجا که مواجهه درست با این پدیده به بهبود وضعیت اجتماعی و امنیتی کلان شهرها نیز منجر می شود، اختصاص بخشی از بودجه کلان شهرها به این امر نیز کاملاً عقلانی است. با همه این ها، ضرورت کمک های دولتی در جهت حل مسائل و مشکلات حاشیه نشینی سبب نمی شود که مومنین متمکن در کشور از انفاق های هدفمند و تجمیعی برای مقابله با محورمیت های حادّ در مناطق حاشیه ای غافل شوند بلکه می بایست سازمان مذهبی کشور در این جهت خود را کاملاً صاحب نقش تعریف نماید. از سوی دیگر، همانطور که اشاره شد، اگر کشور به دنبال این است که پدیده حاشیه نشینی در کشور به شکل مطلوبی مدیریت شده و حاشیه ها گام به گام و انشاءالله برای همیشه از بین بروند، تنها راه آن اجرای "عدالت" در کشور علی الخصوص توزیع منطقی منابع و امکانات بر اساس آمایش سرزمینی است بحثی که باید در جای خود به آن دقیق تر صورت گیرد.